



دانشگاه تربیت معلم

دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه زبان و ادبیات فارسی
پایان نامه تحصیلی دوره کارشناسی ارشد

موضوع

بررسی تحلیلی اصطلاحات تصوّف اشعار حافظ

استاد راهنما

جناب آقای دکتر محمود عابدی

استاد مشاور

جناب آقای دکتر محمد شادروی منش

دانشجو

میشم حاجی پور

تابستان 1387

تشکر و قدردانی

از جناب استاد دکتر محمود عابدی که درک حضور ایشان به موجب فَلَمَّا التَّقِينَا صَغَرَ الْخَبَرَ الْخُبْرَ، «به دیدن فزون آمد از آگهی»، برای من غنیمت بود و در محضر ایشان درس صفا و انسانیت و اخلاق آموختم...

از جناب آقای دکتر محمد شادروی منش که در این دو سال آشنایی آن چه آموختم شرح آن «هرگز اندر حرف ناید»...

از پدر و مادر عزیز و مهربانم که در تمام مراحل زندگی حامیم بودند و هر چه دارم از لطف آنان دارم...

از برادرانم یاسر و سعید و خواهرم و آقای حمزه استوان که در تهیه و تدوین یادداشت های اولیه، تایپ و بررسی نهایی این رساله یاریم کردند...

از سرکار خانم زینب ملک لو - سرپرست محترم کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تربیت معلم - به خاطر همکاری های بی دریغشان...

و بالاخره از تمامی دوستانی که به هر نوع در تهیه این رساله با نگارنده همکاری داشتند و در این مجال از آن ها نام برده نشد...

از همگی سپاسگزارم و صمیمانه ترین درودها را تقدیمشان می کنم و برایشان سلامت و بهروزی روز افزون آرزومندم.

در پایان خداوند را شکر می گزارم که نگارنده را توفیق اتمام این پژوهش ارزانی داشت.

و سلام بر رهروان کوی عشق باد...

چکیده

حافظ شناسان، شعر حافظ را ملتقای شعر عارفانه و عاشقانه می دانند. اشعار حافظ مشحون از اصطلاحات تصوف است؛ دلیل این امر را می توان به سنت عمومی غزل که میراث آن از سنایی و عطار به حافظ رسیده است، مربوط دانست. زبان شعر حافظ غالباً صوفیانه است، اما گاه معنی به موازات زبان شعری صوفیانه نیست؛ این موضوع بررسی اصطلاحات تصوف در اشعار حافظ را لازم می دارد.

پژوهش حاضر به بررسی اصطلاحات، به ویژه اصطلاحات تصوف در اشعار حافظ می پردازد. این اصطلاحات به چهار حوزه تقسیم می شوند:

فصل اول (اصطلاحات صوفیانه) شامل اصطلاحاتی است که در متون صوفیه مصطلح شده و کتب صوفیه نظیر کشف المحجوب هجویری، اللمع و ... به شرح و تعریف آن ها پرداخته اند. این اصطلاحات غالباً ریشه دینی دارند.

فصل دوم (نمادها و رمزها) واژه هایی اند که حافظ آنان را در معنای رمزی به کار برده است و چون متضمن معنای رمزی اند، غالباً عدم توجه به معنای رمزی آن ها درک مفهوم بیت را دشوار می سازد. این کلمات اصولاً اصطلاح تصوف نیستند.

فصل سوم (اصطلاحات فلسفی، کلامی، حکمی و ...) شامل اصطلاحاتی است که ریشه در فلسفه، کلام و علوم اسلامی دارند و از آن جا وارد آثار صوفیه شده اند.

فصل چهارم شامل آداب و آیین های صوفیانه است. در پایان، به سؤالاتی که در طرح مسأله آمده، پاسخ داده شده است.

کلید واژه: اصطلاحات تصوف حافظ، شعر حافظ، اصطلاحات و شعر حافظ.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
14	نشانه ها و رمزها.....
15	مقدمه.....
19	طرح مسأله.....
20	پیشینه پژوهش.....
21	اصطلاحات تصوف از دیدگاه شارحان حافظ.....
23	منابع اصلی.....
24	در آمد سخن.....
فصل اول: اصطلاحات صوفیانه	
27	ادب.....
27	ارادت.....
28	استغنا.....
29	اشارت.....
30	اُنس.....
30	ایمان.....
31	بشارت.....
32	بُعد.....
32	بلا.....

33.....	پیر.....
33.....	پیر طریقت.....
34.....	پیر صحبت.....
35.....	تجلّی.....
35.....	تفرقه.....
36.....	تمکین.....
37.....	توبه.....
38.....	حال.....
39.....	حالت.....
39.....	حجاب.....
40.....	حضور.....
41.....	حق.....
41.....	حقیقت.....
43.....	حیرت.....
44.....	خاتمت.....
45.....	خاطر.....
46.....	خانقاه.....
47.....	خرقه.....
48.....	خلوت.....

49.....	دل
49.....	دلق
51.....	دليل
51.....	دنیا
52.....	ذکر
53.....	ذوق
54.....	رضا
55.....	رمز
56.....	زاهد
57.....	زهد
58.....	سالک
59.....	سلوک
59.....	شرب
60.....	شریعت
61.....	شطح
62.....	شوق
63.....	شیخ
64.....	صبر
65.....	صدق

صفحة	عنوان
65.....	صفا.....
65.....	صوفى.....
66.....	طامات.....
67.....	طريقت.....
68.....	طلب.....
69.....	طور.....
69.....	عارف.....
70.....	عاشق.....
71.....	عزلة.....
71.....	عشق.....
72.....	عيش.....
73.....	غيبة.....
73.....	غيرت.....
74.....	فتوح.....
75.....	فراق.....
76.....	فقر.....
77.....	فنا.....
78.....	فيض.....
79.....	قرب.....

صفحه	عنوان
79.....	قلب.....
80.....	كرامت.....
80.....	كون.....
81.....	لطيفه.....
82.....	محبت.....
83.....	مراد.....
83.....	مردان خدا.....
84.....	مريد.....
85.....	مزوجه.....
85.....	معامله.....
86.....	معرفت.....
87.....	معشوق.....
87.....	مقام.....
88.....	نظر.....
89.....	نفس.....
90.....	واصل.....
91.....	واقعه.....
91.....	وجد.....
92.....	وجود.....

صفحه	عنوان
92.....	ورع
93.....	وصال
93.....	وصل
94.....	وفا
95.....	وقت
96.....	هدایت
97.....	همّت

فصل دوم: نمادها و رمزها

99.....	آب حیات
99.....	آب حیوان
100.....	اسم اعظم
101.....	الست
101.....	امانت
102.....	پیر باده فروش
103.....	پیر خرابات
104.....	پیر مغان
105.....	جام
106.....	جام جم

صفحه	عنوان
107.....	خرابيات.....
108.....	دُرد.....
109.....	دير مغان.....
110.....	رند.....
111.....	زلف.....
112.....	ساقى.....
112.....	سروش.....
113.....	سيمرغ.....
114.....	شاهد.....
115.....	شراب.....
116.....	صومعه.....
117.....	عنقا.....
118.....	قلندر.....
120.....	كرشمه.....
120.....	كوى مغان.....
121.....	مستورى.....
122.....	مستى.....
123.....	مغان.....
124.....	مغبيچه.....

صفحه	عنوان
125.....	همای
فصل سوم: اصطلاحات فلسفی، کلامی، حکمی و ...	
127.....	آبد.....
127.....	اتحاد.....
128.....	اختیار.....
129.....	ازل.....
130.....	امر.....
130.....	تسلیم.....
131.....	تقدیر.....
132.....	تقوی.....
133.....	توحید.....
133.....	توفیق.....
134.....	توکل.....
135.....	جلال.....
136.....	جمال.....
137.....	سابقه.....
137.....	عدم.....
138.....	عنایت.....

صفحه	عنوان
139.....	غیب
140.....	قَدْر
140.....	قضا
141.....	کسب
142.....	لطف
143.....	مجرد
144.....	ملکوت

فصل چهارم: آداب و آیین های صوفیانه

146.....	اربعین بر آوردن
146.....	خرقه انداختن
147.....	خرقه پوشیدن
148.....	خرقه سوختن
149.....	رقص
150.....	سماع
151.....	صحبت
152.....	گرامت
153.....	ماجرا
155.....	نتیجه گیری

صفحه	عنوان
158.....	منابع و مآخذ.....
163.....	چکیده انگلیسی.....

نشانه ها و رمزها

ò : معنای لغوی

3 : تعریف صوفیانه

? : توضیح

[: تعداد ابیاتی که اصطلاح مورد نظر در آن ها به کار رفته است.

🏠 : کاربرد اصطلاح در زبان حافظ

‘ : رجوع کنید

بی تا : بی تاریخ

ج : جلد

اصطلاحات: اصطلاحات الصوفیه

خانلری: حافظ خانلری

سایه: حافظ سایه

شرح مثنوی: شرح مثنوی شریف

فرهنگ عرفانی: فرهنگ لغات و اصطلاحات و تعبیرات عرفانی

کشاف: کشاف اصطلاحات الفنون

کشف: کشف المحجوب

مقالات فروزانفر: شرح غزلیاتی از حافظ، در مجموعه مقالات و اشعار فروزانفر

یادداشت های غنی: یادداشت های دکتر قاسم غنی در حواشی دیوان حافظ

مقدمه

اصطلاح در لغت با هم صلح و آشتی کردن است (منتهی الارب)، و در اصطلاح عبارت است از اتفاق نظر گروهی برای نامگذاری چیزی و استعمال لفظی در معنای معینی؛ پس اصطلاح لفظ معینی است که قومی برای خود تعیین می کند (تعریفات).

تصوّف در لغت یعنی پشمینه پوشیدن (لغت نامه) و عبارت از ترک همه حظوظ نفسانی و تخلیه نفس از اخلاق مذمومه و تحلیه به اخلاق الهی است (' تعریفات / کشف، 51). بنابر این اصطلاحات تصوّف مجموعه الفاظ معینی است که در طول تاریخ در متون صوفیه آمده است و مؤلفین کتب صوفیه آنها را کلمات کلیدی دانسته و به شرح آنها پرداخته اند.

در این پژوهش اصطلاحات تصوف اشعار حافظ - که غالباً اسم فارسی یا مصدر عربی اند - تحلیل شده اند.

درباره این پژوهش

این پژوهش اصطلاحات تصوف اشعار حافظ را در چهار منظر: «اصطلاحات صوفیانه؛ رمزا و نمادها؛ اصطلاحات فلسفی، کلامی، حکمی... و آیین ها و آداب صوفیه» بررسی می کند:

فصل اول (اصطلاحات صوفیانه) شامل اصطلاحاتی است که در متون صوفیه مصطلح شده اند. این واژه ها غالباً ریشه قرآنی دارند و از آن جا وارد آثار صوفیه شده اند؛ نظیر: فقر، استغنا، صبر، توبه و

فصل دوم رمزهایی اند که در کلام حافظ در مفهوم رمزی به کار رفته اند، اگر چه اصولاً اصطلاح تصوّف نیستند. «در بین این رمزا، گروه خمریات، شامل لفظ هایی چون می و جام و ساقی و خرابات و دُرد، ناظر به معرفت روحانی است که بلا واسطه و بدون بحث و درس به قلب

سالک افاضه می شود و شرط نیل بدان، رهایی از وسوسه های عقل نظری و مصلحت نگری های خودخواهانه آن است. گروه غرامیات مشتمل برکلماتی مانند معشوق و جمال و زلف و امثال آنهاست که نظر به تجلی ذات و صفات و آنچه بدان مربوط است دارد و جمع این هردو گونه مضمون غالباً شامل اشارت به این نکته است که نیل به آنچه غایت سلوک است در گرو رهایی از تعلقاتی است که انسان را پایبند خودی می دارد و طالب سالک تا از آن ها جدا نشود به آنچه مطلوب اوست نمی رسد و آنچه وی را در رهایی از خودی کمک می کند، **عشق** است.» (نقش بر آب، 16)

فصل سوم اصطلاحاتی هستند که از حوزه فلسفه، کلام، حکمت و... وارد شعر حافظ شده اند و غالباً حافظ به تعاریف فلسفی و کلامی و حکمی آنان نظر دارد؛ البته گاه از معانی صوفیانه آنان نیز استفاده کرده است. فصل چهارم شامل آداب و آیین های صوفیانه است.

در این چهار فصل اصطلاحات صوفیانه (فصل اول) بیشترین و آداب و آیین ها (فصل چهارم) کمترین بسامد را در اشعار حافظ دارا هستند. هر مدخل از پنج بخش تشکیل شده است:

۱ بیانگر معنای لغوی اصطلاح است. غالباً معنایی که در شعر حافظ کاربرد دارد، انتخاب شده است.

۳ بیانگر تعریف صوفیانه است. در این بخش تعاریف معاصرین و قدما از هم تفکیک شده اند؛ چون تعاریف معاصرین به زبان امروزی نزدیک ترند، حتی المقدور ابتدا از آن ها استفاده شده و در ادامه تعاریف متون قدیم صوفیه آمده است. در هر دو قسمت اولین تعریف ارائه شده، مفهوم ترین،

روان ترین، بهترین و همسوترین معنا با شعر حافظ است و شاهد های ذیل هر مدخل آن را تأیید می کند. سایر تعاریف یا مؤید همان تعریف اولند یا تعاریف دیگری از همان اصطلاحند.

? شامل توضیح درباره مدخل یا شاهد هایی است که در ذیل آن آورده شده است.

[علامت تعداد ابیاتی است که اصطلاح مورد نظر در آن ها به کار رفته است. مثلاً ذیل ارادت

نوشته شده است: 2، منظور این است که ارادت در دو بیت از اشعار حافظ به کار رفته است.

کلمات جمع نیز اگر جمع مکسر بوده اند غالباً ذیل مدخل به آن ها اشاره شده است و سایر جمع ها، مانند جمع سالم مؤنث، جمع های فارسی و... با تعداد ابیات مدخل جمع شده اند؛ مثلاً: رو به روی کرامت نوشته شده است: 11؛ یعنی کرامت و کرامات در 11 بیت از ابیات حافظ به کار رفته است.

🏠 بیانگر کاربرد اصطلاح در زبان حافظ است. مراد از «عرفانی، لغوی» آن است که اصطلاح

تصوّف به هر دو معنای عرفانی و لغوی به کار رفته است.

ابیاتی که برای شاهد انتخاب شده اند، عرفانی اند و غالباً با اولین تعریف مطابقت دارند.

لازم به ذکر است که شاهدهایی که مؤید معنای لغوی اند مدّ نظر نبوده، بنابراین ذکر نشده اند.

اگر اصطلاحی در 1، 2 یا 3 بیت از ابیات به معنای عرفانی به کار رفته باشد، آن ها را به عنوان

شاهد ذکر کرده ایم. اما اگر بیش از سه بیت عرفانی از آن اصطلاح در اشعار حافظ موجود باشد،

جهت انتخاب ابیات - حتی المقدور - سه شرط زیر را در نظر گرفته ایم:

1. شاهد به بهترین شکل، مدّعا را ثابت کند.

2. شاهد مفهوم ترین بیت باشد.

3. شاهد زیبا ترین بیت باشد.

این سه شاهد بر اساس دیوان حافظ تصحیح قزوینی - غنی به ترتیب غزل های دیوان، تنظیم شده اند. البته تمام ابیات، با دیوان های حافظ خانلری و سایه مقایسه شده اند و در صورت وجود دو شرط زیر، ضبط های خانلری و سایه را نیز در پاورقی آورده ایم:

1. آنکه ضبط خانلری و سایه به جای اصطلاح صوفیانه مورد نظر، کلمه دیگری ضبط کرده باشند و برعکس.

2. تغییر واژه های بیت به گونه ای باشد که معنای اصطلاح مورد نظر با توجه به بیت دستخوش تغییر شود.

در مورد اعداد داخل پرانتز لازم به ذکر است که عدد سمت راست ممیز شماره غزل و عدد سمت چپ شماره بیت است. همچنین رسم الخط ابیات شاهد مثال، مطابق نگارش امروزی تنظیم شده اند و مواردی نظیر ازو که در حافظ قزوینی - غنی به همین شکل ضبط شده است، به شکل از او نوشته ایم.

مشکلات پژوهش

انتخاب ابیات مشکل ترین مرحله این پژوهش بود. از آنجا که شعر حافظ، شعری چند وجهی و منشوروار است، ابیات نیز در پرتو بافت شعر، متضمن چند معنا هستند.

گاه بیتی در بافت غزل، عرفانی است اما همان بیت به تنهایی و بدون در نظر گرفتن حال و هوای غزل غیر عرفانی است. این مشکل در مورد اصطلاحاتی نظیر شراب، عشق، عاشق، معشوق و... به اوج می رسد و گاه تشخیص عرفانی و غیر عرفانی بودن بیت و در نتیجه انتخاب آن به عنوان شاهد مثال دشوار خواهد بود. گاهی اصطلاح تصوّف در بافت عرفانی بیت، در معنای لغوی به کار رفته است، مثلاً در بیت:

- مرغ خوشخوان را بشارت باد کاندرا راه عشق

دوست را با ناله شب های بیداران خوش است (4/43)

بشارت، اگر چه اصطلاح تصوّف است و بافت بیت نیز عرفانی به نظر می رسد؛ اما اینجا در معنای

لغوی «مژده و نوید» به کار رفته است. چنین مواردی را جزء آمار به حساب نیاورده ایم.

از دیگر مشکلات این پژوهش، عدم تطابق تعاریف صوفیانه با شاهد مثال هاست. گاه ابیات

دیوان با هیچ یک از تعاریف متون صوفیه انطباق نداشت و مستلزم پژوهش و جستجوی بیشتر بود.

طرح مسأله

1. آیا در اشعار حافظ اصطلاحات تصوّف به کار رفته است؟ چرا؟ بسامد هر کدام چقدر است؟
2. کدام گروه از اصطلاحات تصوّف، طیف گسترده تری را به خود اختصاص می دهد؟
3. اصطلاحات تصوّف در شعر حافظ صرفاً در معنای اصطلاحی به کار رفته یا معنای لغوی هم مورد نظر است؟ می توان اصطلاح تصوّفی را یافت که صرفاً معنای عرفانی مطمح نظر باشد بدون اینکه معنای لغوی در آن دخالتی داشته باشد و برعکس؟
4. در اشعار حافظ اصطلاح غیر تصوّفی وجود دارد که در معنای صوفیانه به کار رفته باشد؟
5. آیا اصطلاح تصوّف در معنای غیر صوفیانه به کار رفته است؟
6. در اشعار حافظ اصطلاح تصوّفی را می توان یافت که بی اعتنا به معنی صوفیانه درک مفهوم بیت غیر ممکن شود؟
7. اصطلاحات تصوّف اشعار حافظ مسبوق به سابقه اند و یا در معنای جدید صوفیانه - مغایر با کشف، مصباح، اللمع و ... - به کار رفته اند؟
8. آیا حافظ در اشعار خود اصطلاحات تصوّف را تعریف کرده است؟

9. در اشعار حافظ اصطلاح تصوّفی وجود دارد که در معنی اصطلاح تصوّف دیگری به کار رفته باشد؟

پیشینه پژوهش

فرهنگ اشعار حافظ تألیف دکتر احمد علی رجایی بخارایی، اصطلاحات تصوّف اشعار حافظ را تا حدودی معرفی کرده است. این اثر که ظاهراً پایان نامه دکتری ایشان است، اگرچه اطلاعات مفیدی به دست می دهد، اما کاستی هایی نیز دارد. اولاً تمام اصطلاحات تصوّف دیوان حافظ بررسی نشده اند؛ ثانیاً اصطلاحات تصوّف را از منظر تصوّف معرفی کرده است نه از دیدگاه حافظ؛ به عبارت دیگر به معانی مختلفی که این اصطلاحات در شعر حافظ به کار رفته اند، کمتر اشاره شده است. اما در مجموع، اثری است ماندگار و درخور تحسین.

نگارنده امیدوار است با اندک بضاعت خویش و به فراخور موقعیت و زمان محدود تا آنجا که در حوصله این پژوهش می گنجد، پاسخگوی این کاستی ها باشد. تا چه قبول افتد و چه در نظر آید...